

زرتشت در کلام دکتر زرین کوب

دکتر سید جمال سجادی - نوشهر



□ در پی چاپ مقاله‌یی با عنوان «نگاهی به سیر و سلوک دکتر عبدالحسین زرین کوب» در حافظ شماره‌ی ۵۸ و سپس مقاله‌ی «آن چه ایران به جهان آموخت» به قلم استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب در شماره‌ی ۶۳، جناب سید جمال نکومقدم مطلق، مطالبی در شماره‌ی ۶۴ در نقد دکتر زرین کوب نگاشته‌اند که در بعضی قسمت‌های آن بویژه درباره‌ی نظریات و تعلیمات زرتشت پرسش‌هایی را برای این جانب پدید آورد که در زیر به قسمت‌هایی از آن اشاره می‌شود.

۱- درباره‌ی اعتقاد زرتشت به ثنویت، تصور می‌کنم این گونه برداشت از تعلیمات آن پیامبر بزرگ باندرکی سوءتفاهم یا احتمالاً جانبگیری و اتهام پدید آمده است، چون زرتشت اهورامزدا را خالق یگانه و اهریمن را نگهبان سرزمین عدم معرفی کرده و پیداست که عدم یعنی نیستی و نبودن و طبیعی است که عدم مخلوق نمی‌تواند خالق داشته باشد این اهورامزدا است که نور می‌آفریند، علم می‌آفریند، تندرستی و راستی می‌آفریند، از آن جا که در مقابل آفرینش نور، تاریکی یعنی عدم روشنایی و در مقابل علم یعنی دانایی، جهل یعنی عدم دانش است و نه غیر آن. بنابراین اهریمن تنها نگهبان عدم است و نه خالق چیزی و بدین گونه نمی‌تواند به عنوان خالق و آفریننده در مقابل اهورامزدا جلوه کند. با این نگرش زرتشت یک پیامبر موحد بود چون فقط اهورامزدا را آفریننده‌ی نیکی‌ها علم و نور... می‌دانست.

۲- درباره‌ی قداست آب و آتش و خاک چنان که می‌دانیم در دین شریف اسلام نیز آب و آتش و خاک از مطهرات یعنی پاک‌کننده‌ها هستند و زرتشت جز

پاک‌کنندگی و تطهیر نجاسات به وسیله‌ی این سه عامل چیزی دیگر نگفت و قشریونی افراط‌گر و ناآگاه و احتمالاً موبدان خودرأی و سودجو بودند که تعلیمات زرتشت را آن چنان تحریف کردند که به جای صفت پاک‌کنندگی یعنی هر چیز نجس را باید با آب شست تا پاک شود به گونه‌یی نادرست تفسیر کردند که پیروان قشری زرتشت دست خود را به جای آب با ادرار گاو می‌شستند و در مورد انحرافات موبدان ادعاهای دروغین گئوماتای مغ را که از همین طایفه بود، به‌خاطر داریم.

۳- برافروختن آتش در آتشکده‌های ایران به‌عنوان سمبل نور و روشنی و به آموزه‌ی زرتشت برای جلوگیری از تاریکی و پیروی و هم‌سویی با خدای یگانه یعنی اهورمزدا و در حقیقت نبرد با اهریمن و تاریکی او بود نه معنای قداست و الوهیت آتش.

۴- در مورد عدم تدفین مردگان در خاک نیز به تصور این جانب از بدعت‌هایی‌ست که موبدان پدید آوردند؛ چنان که با مطالعه‌ی تاریخ تاکنون دیده می‌شود و نظریات دکتر شریعتی نیز تایید می‌کند که در هر مذهب الهی و از جمله در دین زرتشت و در سیر تحولات آموزش‌ها و گرایش‌هایی فکری هر دین سه خط متمایز پدید آمده است:

نخست، آموزه‌های ناب پیامبران راستین که همانند آن را در گفتار و رفتار علی (ع) جد مشترک بنده و نویسنده‌ی محترم مقاله جناب سید جمال نکومقدم مطلق مشاهده می‌کنیم و آن داستان‌هایی جداگانه دارد که همه‌ی ما کامییش نمونه‌هایی از آن را در نظر داریم.

دوم، آن چه توسط سودجویان بی‌ایمانی، پس از پابرجایی دین اصیل و مقدس، به

لباس دین درآمده و این گروه با تمسک به آن یعنی با ابزار قراردادن دین، مخالفین خویش را سرکوب و از میدان به در کردند. نظیر معاویه و امویان که آن نیز از نظر دانیان پوشیده نیست و رفتار و گفتار کلیسایان در قرون وسطی نیازی به بازگویی و توضیح آن همه جنایات فجیع ندارد.

دسته‌ی سوم قشریون ناآگاه که هم‌چنان که پیش از این اشاره شد مغز دین و آموزه‌های ناب آن را نفهمیدند و در جنگ صفین قرآن بر سر نیزه کردن معاویه را هواداری راستین از اسلام پنداشتند و بر علی (ع) خروج کردند و آن داستان‌ها نیز بر ما پوشیده نیست.

بر روی هم به نظر این جانب نباید انحرافات و سوءتعبیرهای ناآگاهانه و گاه غرض‌آلود را به حساب پیامبران راستین آورد و زرتشت را به‌عنوان ثنوی مذهب و آتش‌پرست محکوم نمود. آن چه در سرمقاله‌ی حافظ ۶۵ با عنوان «مؤلفه‌های مذهبی هویت ایرانی و نزدیکی اسلام با کیش زرتشتی آمده بود، پاسخ خوبی به اظهارات آقای نکومقدم مطلق است. ■